مصطفی راغب در گفت‌وگو با جام جم

«آره من دیونتم» را در مسیر اربعین ساختم

مصطفی راغب پس از پایان «چهارپایه عشق» اولین کنسرت محرمی امسال که تا ۱۰ شهریور در مرکز همایش‌های برج میلاد تهران برگزار شد و با استقبال بی‌نظیر مخاطبان همراه بود، همچون سال‌های گذشته راهی پیاده‌روی اربعین شد. او سال‌هاست پیاده‌روی کربلا را در برنامه زندگی خود قرار داده‌است. خودش درباره این ارتباط می‌گوید: زیباترین عشق‌ها، عشقی است که ما را به خدا نزدیک می‌کند. مثلا شما مسیر پیاده‌روی اربعین را نگاه کنید. خدا قسمت‌مان کرده و چندسالی است که در این مسیر همراه سایر زوار هستم و می‌بینم عشقی را که در هیچ جا ندیده‌ام. این، عشقی دوطرفه است و آن‌قدر از این سفر لذت می‌برم که سالم را با روزشماری رسیدن به ایام محرم می‌گذرانم. او کوله‌اش را بسته بود تا راهی سفر اربعین شود که تلفن ما را جواب داد تا با او درباره پیاده‌روی اربعین گفت‌وگو کنیم:



یادتان هست اولین بار چه سالی به کربلا مشرف شدید؟ از اولین لحظه دیدارتان بگویید؟

فکر می‌کنم سال‌های ۸۴-۸۳ بود. آمریکایی‌ها تازه به عراق حمله کرده‌بودند و سقوط صدام راه حضور به پابوس آقا را باز کرده‌بود. اولین بار قاچاقی به کربلا رفتیم. به خاطر دارم پدرم با تعدادی از دوستانش تصمیم گرفتند از مرز خرمشهر به عراق بروند و من هم که نوجوان بودم با آنها همراه شدم. در خرمشهر به ما گفتند شب را بخوابید ساعت ۳ صبح از مرز خارج می‌شویم و اذان صبح عراق هستیم. خواب به چشمانم نمی‌رفت. تا صبح به فکر لحظات حضور در کربلا بودم. حوالی ساعت ۳ صبح بیدار شدیم با قایق به سمت عراق حرکت کردیم. اواسط راه بودیم که مرزبانان ما را دیدند و شروع به تیراندازی کردند. لحظات خیلی سختی بود. خیلی ترسیده بودیم ولی به لطف خدا اذان صبح وارد عراق شدیم و از آنجا به کربلا رسیدیم. حضور در کربلا و حرم مطهر امام حسین(ع) و حضرت عباس(ع) لحظات عجیبی بود؛ واقعا نمی‌شود، توصیف کرد.

اولین بار است که در آیین پیاده‌روی اربعین حاضر می‌شوید؟

نه، پنج سالی هست که امام حسین(ع) می‌طلبد و ما را به مهمانی می‌پذیرد. به جز سال گذشته، بقیه سال‌ها خیلی خوب بود و واقعا از لحظه لحظه‌اش بهره گرفتم.

چرا؟ سال گذشته مگر اتفاق خاصی افتاد؟

واقعیت من هر سال خودم همانند سایر مردم مسیر را می‌رفتم، در صف نذری می‌ایستادم و هرجا خسته می‌شدم، در موکبی توقف و استراحت می‌کردم. سال گذشته مسئولان فرهنگی به بنده لطف داشتند و مانند سایر هنرمندان برای ما در مسیر هتل گرفتند و خواستند دوستان هنرمند با آرامش بهتر و فراغ بال بیشتر در این سفر معنوی حاضر شوند و به قولی بهتر به صورت رسمی مشرف شدیم. این موضوع از یک باب خوب بود اما به نظرم صفای اربعین به پیاده‌روی آن است. به هرحال این مسیر همدردی با اسرای کربلاست که با پای برهنه در آن گرمای سوزان این مسیر را پیاده‌روی کردند.

به عقیده شما چرا پیاده‌روی کربلا برای شیعیان به صورت یک برند درآمده‌است؟ چرا این‌قدر از این حضور استقبال می‌شود؟

حضور در کربلا یک حس خاصی دارد و قابل توصیف نیست. تا زمانی که در این مسیر نیایید، به لذت آن پی نمی‌برید. به حرف زدن نیست. خیلی از دوستان اعتقادی به این سفر نداشتند و نمی‌آمدند اما وقتی برای اولین بار آمدند و شوق حضور را دیدند، نظرشان به کل تغییر کرد.

علت چیست؟ چرا این فضا که بی‌شک سختی‌های زیادی با خود به همراه دارد، برای مردم این‌قدر لذت‌بخش است؟

هرچند مسیر، دشواری‌های خود را دارد اما سرشار از انرژی خوب و اتمسفر مثبت است. چون همه باحال خوب به سمت اماکن معنوی و متبرکه می‌روند و همه انرژی‌ها مثبت است. این انرژی مثبت خیلی سریع به انسان‌های اطراف منتقل می‌شود و حال همه را خوب می‌کند. شاید باور نکنید اما دوستانی هستند که باوسواس زندگی می‌کنند، هرجایی نمی‌خوابند، هرچیزی نمی‌خورند اما وقتی به این سفر آمدند کاملا متفاوت بودند.

موسیقی با سوگواری اربعین عجین است و در مسیر کربلا موسیقی زیاد می‌شنوید. احساس کمبود نمی‌کنید مثلا ای کاش موسیقی با این سبک هم بود؟

ما تولیدات زیادی برای اربعین می‌شنویم ولی متاسفانه دوستان حساسیت به خرج نمی‌دهند. کارهایی را که می‌شنویم خیلی ساده است. ما باید در بحث امام حسین(ع) هم شعر و هم ملودی خوب داشته باشیم. ملودی دم دستی استفاده نکنیم. ما باید به گوش مخاطب احترام بگذاریم باید دوچندان به این مبحث نگاه و توجه کنیم.

واقعا موسیقی اربعین با کمبودهایی همراه است. باید بپذیریم ما هر چی داریم از موسیقی ریشه‌مان یعنی اصیل و کلاسیک است. من وقتی در مسیر کربلا یک سری کارهای خیلی شلوغ که برای نسل جوان خوب است می‌شنوم؛ اما کارهای نوستالژی و ملودی‌های کلاسیک را که باعث ماندگاری می‌شود، نمی‌بینم. چقدر خوب است آهنگسازها و ملودی سازهای ما از گوشه‌های مختلف و ردیف‌های موسیقی اصیل استفاده کنند. این‌کار باعث تنوع کارها می‌شود و هم ردیف موسیقی ما چون کامل و جامع هستند، بیشتر هم به دل می‌نشینند. به عقیده من باید به فکر موسیقی تلفیقی باشیم. نباید فراموش کنیم روزانه خیلی ملودی ساخته می‌شود، ولی یک سری کارها ماندگار است. وقتی آنها را بررسی می‌کنیم می‌بینیم ریشه در اصالت ما دارند بنابراین ماندگار می‌شوند.

تا حالا در این مسیر شعری با آن حال و هوا سرودید؟

بله در مسیر یک‌سری ملودی به ذهنم می‌آید. سریع آن را با گوشی ضبط می‌کنم تا بعد از برگشت برای تولید کار عاشورایی استفاده کنم.

آخرین اثری را که در پیاده‌روی اربعین آماده کردید و خواندید یادتان هست؟

واقعیت حدود ۵۰ درصد نوحه‌ها و مرثیه‌هایی که در یزد می‌خوانم، ملودی‌اش برای همین پیاده‌روی است؛ مثلا در مسیر وقتی می‌دیدم هر قشری با هر اعتقادی می‌آیند یک شعر و ملودی به نام «آره من دیونتم» نوشتم. این را از زبان کسی که می‌گه امام حسین(ع) ما اینجا هر سال می‌آییم و تنها جایی است که حالمون خوبه نوشتم.

این‌کار را در کنسرت چهارپایه عشق هم اجرا کردیم. ابتدا داستان توبه علی گندابی توسط راوی کنسرت جناب آقای حسین‌زادگان شرح داده شد و بعد من این نوحه را ساختم و خواندم. همان نوحه‌ای که در آذرشهر نیز خوانده بودم:

راهو گم کرده بودم که بازم
دستمو گرفتی تا نبازم
تو راه رو بم نشون دادی
به عشق من تو جون دادی
دستمو گرفتی آقا

این شعر از زبان یک فرد درمانده و گرفتار است و واقعا امیدوارم هرکسی آرزو دارد برود کربلا و امام حسین(ع) بطلبد.

احیای یک سنت قدیمی در کنسرت راغب



سنت چهارپایه‌خوانی، قرن‌هاست که همزمان با ماه محرم و صفر در کشورمان برگزار می‌شود؛ سنتی که هنوز در بازار قدیمی تهران و تعدادی از شهرستان‌ها به‌عنوان یکی از خاص‌ترین آیین‌های عزاداری در حال اجراست. در این شیوه مداح برای این‌که صدایش به همه عزاداران برسد، روی این چهارپایه می‌ایستاد و به مدیحه‌سرایی در وصف امام حسین(ع) و یارانش می‌پرداخت. امسال مصطفی راغب در کنار برگزاری کنسرت آیینی و عاشورایی «چهارپایه عشق»، تلاش کرد بار دیگر نام و یاد این سنت را زنده نگه دارد.

آتش عشق است در رگ هستی

چهارپایه عشق

عشق کوفی

عمه بابایم کجاست